

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۱۰ نومبر ۲۰۲۰

نگاهی به تحولات پسا انتخابات ریاست جمهوری امریکا!

انتخابات جنرال برانگیز ریاست جمهوری امریکا به پایان رسید و «جوز بایدن» با آرای بالائی بر رقیب خود دونالد ترامپ پیروز شد. در انتخابات روز سوم نوامبر، جو بایدن با کسب حدود ۷۵ میلیون رای مردم و ۲۷۹ رای کالج انتخاباتی به عنوان رئیس جمهوری جدید انتخاب شد ولی ترامپ از پذیرش نتیجه انتخابات سر باز زده و گفته است که از روز دوشنبه شکایت‌های خود را ثبت می‌کند. ترامپ می‌گوید در انتخابات تقلب شده اما تا کنون اسناد و شواهدی در این زمینه ارائه نکرده است.

مجمع گزینندگان یا «الکترال کالج» ۵۳۸ عضو دارد که تعیین‌کننده واقعی انتخابات هستند. رای‌دهندگان امریکائی اگر چه نام ترامپ یا بایدن را در برگه‌های اخذ رای می‌نویسند اما در عمل مجمع گزینندگان را انتخاب می‌کنند. آرای پستی نیز در انتخابات این دور نقش مهمی ایفا کرد. ۹۸ میلیون و ۴۰۰ هزار نفر رای خود را پیش از آغاز انتخابات در روز سه‌شنبه به شکل حضوری یا پستی داده‌اند که برابر است با ۴۰ درصد کل رای‌دهندگان واجد شرایط امریکائی.

همزمان با انتخابات ریاست جمهوری، سرنوشت ۳۵ کرسی مجلس سنا و تمامی کرسی‌های مجلس نمایندگان نیز در این روز تعیین می‌شود.

برآورد پروژه انتخابات حاکی است که ۲۳۹ میلیون و ۲۴۷ هزار و ۱۸۲ امریکائی واجد شرایط رای دادن در انتخابات ۲۰۲۰ بودند که از مجموع ۲۳۰ میلیون و ۹۳۱ هزار و ۹۲۱ نفر در انتخابات ۲۰۱۶ بیش‌تر بود. چنانچه مشارکت ۱۵۰ میلیون نفری در انتخابات سال جاری صحت داشته باشد، این به منزله حضور ۶۳ درصدی مردم در انتخابات ۲۰۲۰ است. در حالی که جمعیت امریکا حدود ۳۸۰ میلیون نفر است، همه این افراد واجد شرایط رای دادن نیستند.

ترامپ روز دوشنبه ۹ نوامبر - ۱۹ آبان گفت مارک اسپر، وزیر دفاع، را از کار برکنار کرده است و کریستوفر میلر، مدیر مرکز ملی ضد تروریسم، را به عنوان سرپرست این وزارتخانه معرفی کرده است. دونالد ترامپ در یک پیام تویتری نوشت: «مارک اسپر از کار برکنار شده است. مایلم اعلام کنم که کریستوفر سی میلر، مدیر بسیار مورد احترام مرکز ملی ضد تروریسم (که به اتفاق آراء مورد تائید سنا قرار گرفته است) فوراً سرپرست وزارت دفاع خواهد شد.» برکناری وزیر دفاع این شبهه را به وجود می‌آورد که آیا ترامپ در هفته‌های آخر ریاست‌اش در کاخ سفید، به فکر یک ماجراجویی نظامی است؟

از سوی دیگر دونالد ترامپ، تصمیم دارد با کمک اسرائیل و برخی از کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، تا پیش از مراسم تحلیف جو بایدن در ماه ژانویه، تحریم‌های جدیدی را علیه ایران اعمال کند. وبسایت «آکسیوس» به نقل از دو منبع اسرائیلی نوشت، الیوت أبرامز، نماینده دولت ترامپ در مورد مسائل ایران روز یکشنبه ۸ نوامبر با بنیامین نتانیاهو نخست اسرائیل و مایر بن شبات مشاور امنیت ملی این کشور دیدار و در مورد طرح تحریم گفت‌وگو کرد. این وبسایت می‌نویسد؛ أبرامز نیز چند روز پیش در یک جلسه محرمانه گفته بود که دولت ترامپ می‌خواهد هر هفته تا ۲۰ ژانویه مجموعه جدیدی از تحریم‌ها را علیه ایران اعلام کند. همچنین اشاره شده که أبرامز برای گفت‌وگو درباره طرح تحریم‌ها از اسرائیل به ابوظبی و ریاض هم سفر خواهد کرد.



بایدن سک سیاستمدار کهنه‌کار است. او بین سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۲ به کار وکالت پرداخت، تا سال ۱۹۷۲ که در سن ۲۹ سالگی به عنوان پنجمین سناتور جوان تاریخ آمریکا به سنای آمریکا راه یافت. او شش بار در انتخابات سنا پیروز شد و به رکورد طولانی‌ترین سناتوری از ایالت دلاور را دارد.

جو بایدن در دوران خدمت در سنا بیش‌تر بر روی روابط خارجی، حقوق جزائی و سیاست‌گذاری در مورد مواد مخدر تمرکز داشت.

با این وجود دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری کنونی و رقیب بایدن اعلام کرده که شکست را قبول نمی‌کند و با انتشار بیانیه‌ای گفته است انتخابات «فاصله بسیار تا پایان دارد» و گفته است که برای نتایج انتخابات در دادگاه جدال خواهد کرد.

دونالد ترامپ ۴۵ امین رئیس‌جمهور آمریکا گفته است: در صورتی که دادگاه مربوط به رای گیری انتخابات ۲۰۲۰ نتایج این انتخابات را تصدیق کند، من حاضر به کنارگیری هستم در غیر این صورت در کاخ سفید می‌مانم.

اگر کارزار شکایت حقوقی ترامپ شکست بخورد و نتایج انتخابات ریاست جمهوری آمریکا تائید شود، بایدن ۷۸ ساله به عنوان ۴۶ امین رئیس‌جمهوری آمریکا وارد کاخ سفید خواهد شد و به عنوان مسن‌ترین رئیس‌جمهوری که آمریکا دیده، کار خود را آغاز خواهد کرد.

میخائیل تاراتوتا روزنامه‌نگار آمریکائی‌گرا، احتمال سناریوی پیشنهادی رسانه‌های آمریکائی را ارزیابی کرد: یک فرصت وجود دارد این خیلی بزرگ نیست، زیرا اثبات هر چیزی بسیار دشوار است. اگر شواهدی پیدا شود، اوضاع دقیقاً همان‌طور که ترامپ می‌گوید، پیش خواهد رفت. اما انجام این کار احتمالاً بسیار دشوار خواهد بود، بنابراین احتمال رئیس‌جمهور ماندن ترامپ بسیار اندک است.

میخائیل تاراتوتا می‌گوید: دونالد ترامپ تنها در صورتی تصدیق می‌کند که کنار رود که در دادگاه مربوط به رای‌گیری انتخابات ۲۰۲۰ نتایج مطلوبی نتواند کسب کند.

جوزف رابینت بایدن، معروف به جو بایدن سال ۱۹۴۲ در پنسیلوانیا دنیا آمد. بایدن به مدت هشت سال و در دولت باراک اوباما به عنوان چهارم و هفتمین معاون رئیس‌جمهوری آمریکا سیاست‌گذاری کرد.

اما جورج دبلیو بوش، رئیس‌جمهوری پیشین آمریکا روز یکشنبه در تماس تلفنی با جو بایدن پیروزی وی را در انتخاباتی که آن را «کاملاً صادقانه» و با نتایج «روشن» توصیف کرد، تبریک گفت. پیام تبریک جورج دبلیو بوش یک شخصیت سنگین وزن حزب جمهوری‌خواه از اهمیت بالایی برخوردار است.

دولت دونالد ترامپ در برخی از مسایل همچون عقب‌نشینی یک‌جانبه از «برنامه جامع اقدام مشترک هسته‌ای» (برجام) ایران و جهت‌گیری کاملاً یک‌جانبه در مورد مسأله مهم خاورمیانه یعنی اسرائیل-فلسطین گرفته تا خروج از پیمان‌ها و معاهده‌های جهانی مهم مانند خرج از معاهده اقلیمی پارس، سازمان بهداشت جهانی و... از خود نشان داده است.

او در سیاست داخلی آمریکا نیز سیاست دیوارکشی بین مکزیکی و آمریکا با هدف جلوگیری از ورود مکزیکی‌ها به آمریکا، جدا کردن بچه‌های پناهندگان از والدین‌شان، تهدید خبرنگاران، تحقیر زنان و سرکوب اعتراض‌های مردمی به ویژه رنگین‌پوستان نه تنها به نیروی انتظامی بسنده نکرد، بلکه ارتش را نیز به خیابان‌ها آورد. حقوق کارگران و زنان و رنگین‌پوستان و مهاجران و پناهندگان را هرچه بیش‌تر زیر پا گذاشت.

ترامپ روابط آمریکا با چین و روسیه و اتحادیه اروپا را خدشه‌دار کرد حتی برای اولین بار در تاریخ آمریکا پیشنهاد آمریکا در زمینه عدم فروش جنگ‌افزار به حکومت اسلامی که زمان تحریم آن به پایان رسیده بود شکست سختی خورد و تنها یک رای موافق را با خود همراه کرد و با رای مخالف همه اعضای شورای امنیت سازمان ملل مواجه شد که در تاریخ دیپلماسی آمریکا بی‌نظیر است. البته این حرکت یک اقدام حقوقی بود و کم‌ترین ربطی به دفاع از حکومت اسلامی ایران نداشت.

به‌علاوه برخورد هر دو کاندیدا در کارزارهای تبلیغاتی‌شان علیه همدیگر، خارج عرف دموکراسی بورژوازی و غیراخلاقی بود. اکنون نیز موضع ترامپ نشان می‌دهد که دموکراسی پارلمانی کارآرایی سابق خود را از دست داده است.

در واقع می‌توان گفت که آرای بالای مردم آمریکا به بایدن نبود بلکه عمدتاً رای‌دهندگان در مخالفت با سیاست‌های ویرانگر داخلی و بین‌المللی ترامپ به او رای دادند.

اولویت برنامه دولت بایدن با بحران کرونا است. بایدن اعلام کرده است که ستادی متشکل از مشاوران برای مقابله با شیوع این ویروس ایجاد خواهد کرد.

بایدن گفته است که برای تامین هزینه‌ها، در بسیاری از تسهیلات مالیاتی که دونالد ترامپ پیش‌بینی کرده بود تجدید نظر خواهد کرد. تغییر سیاست مالیاتی آمریکا البته مستلزم تأیید کنگره است.

او همچنین بر آن است تا به نقش اتحادیه‌ها و سندیکاها در آمریکا توجه کند. همچنین تشویق مردم به خرید کالاها و خدمات ساخت آمریکا نیز از دیگر محورهای برنامه اقتصادی او اعلام شده است.

در رابطه با حقوق شهروندی جو بایدن گفته است که در یکصد روز نخست ریاست جمهوری خود قانونی علیه تبعیض جنسیتی به تصویب خواهد رساند. تشدید قانون ناظر بر حق تملک و حمل سلاح در آمریکا نیز از دیگر رؤس کار او اعلام شده است.

بایدن در رابطه با سیاست مهاجرتی اعلام کرده است که از همان نخستین روز شروع کار خود به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا، به اصلاح قانون مهاجرت در این کشور اقدام می‌کند. قرار است یازده میلیون نفر از ساکنان آمریکا رسماً حق اقامت گرفته و از حقوق شهروندی آمریکا بهره‌مند شوند. محدودیت‌های ناظر بر سفر به آمریکا نیز قرار است لغو شوند.

سیاست خارجی بایدن بر آن است که از همان نخستین روز شروع کار خود، امریکا مجدداً به عضویت سازمان بهداشت جهانی باز خواهد گشت. افزون بر آن، بازگشت به توافق هسته‌ای با ایران نیز از جمله اولویت‌های سیاست خارجی او اعلام شده است.

بایدن اعلام کرده است که امریکا به همه توافق‌ها و پیمان‌های اقلیمی و از جمله پیمان اقلیمی پاریس باز خواهد گشت. او همچنین بر استفاده از انرژی‌های پاک و تجدیدشونده تأکید کرده است.

دولت ترامپ بسیاری از الزام‌های ناظر بر تولید و فروش کالاها را از دور خارج کرده بود. بایدن بر آن است تا بار دیگر در دفاع از مصرف‌کنندگان این الزام‌ها را تجدید و حتی تشدید کند. برای تولیدکنندگانی که موازین تعیین شده را رعایت نکنند نیز مجازات‌هایی پیش‌بینی خواهد شد.

تیم کارشناسی بایدن نیز در مخالفت با سیاست‌های ترامپ برنامه او را فرموله کرده‌اند. چکیده شعار برنامه سیاست خارجی جوزف بایدن «رهبری دنیای آزاد» است. نامزد دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، در ماه مارس ۲۰۲۰ بیانیه‌ای با عنوان «چرا امریکا باید از نو رهبری شود» را امضاء کرد. در این بیانیه آمده است که «نظام بین‌المللی که امریکا با آن همه دقت ساخته بود، در حال ترک برداشتن است.»

با توجه به حضور نیروهای امریکا در منطقه کردنشین سوریه و و نیز ارتباطات گسترده واشینگتن با اقلیم کردستان عراق، این سؤال مطرح است که آیا بایدن رئیس‌جمهوری جدید امریکا چه رویکردی با مسأله مردم کرد در این منطقه خواهد داشت.

دولت دونالد ترامپ از تمام مناطق کردنشین سوریه (روژآوا) بیرون نرفته است و بیش‌تر مربوط به مناطق حول کریدوری است که ترکیه خواهان کنترل آن است. بعد از پیامدهای امتیازی که دولت ترامپ به ترکیه داد.

در مورد اقلیم کردستان، ادامه تهدید داعش و ارتباط متشنج امریکا با حشد الشعبی به این معنی است که سران اقلیم کردستان عراق همچنان ارتباط نظامی با امریکا و سایر شرکای غربی دارند. علاوه بر آن، باید کشمکش میان امریکا و گروه‌هایی از حشد الشعبی و نیز حمایت حکومت اسلامی ایران از گروه‌های شیعی و همچنین طالبانی در عراق در نظر گرفت.

جو بایدن حمایت خود از کردها را به زبان آورده است. اما ممکن است دولت بایدن در صورتی که ترکیه به دنبال تصرف مناطق دیگری از شمال سوریه باشد، حزب اتحاد دموکراتیک و نیروهای مدافع خلق روژآوا را مجبور به عقب‌نشینی کند.

بایدن هنگامی که معاون او باما بود در قلمروی سوریه امتیازاتی به حکومت ترکیه داد. در مورد خروج نیروهای امریکا از عراق در سال ۲۰۱۱ که منجر به ظهور داعش شد مذاکره کرد و زمانی که داعش شنگال و موصل را تصرف کرد و مناطق حسکه، قامیشلو و اربیل را تهدید کرد او مسؤول سیاست‌های امریکا در عراق بود. او تا زمانی که بغداد مورد تهدید داعش واقع نشد واکنشی نشان نداد.

با توجه به این که وعده‌های تبلیغاتی روسای جمهوری این است که عملکرد آن‌ها با وعده‌هایشان تطابق نداشته است. تمایل جو بایدن برای عادی‌سازی رابطه با کشورهای ناتو ممکن است به مجبور کردن کردهای سوریه برای دادن امتیاز بیش‌تر به ترکیه منجر شود و با توجه به تمایل او برای بازگشت به توافق اتمی با ایران ممکن است در مورد کردهای ایرانی حامی سیاست‌های امریکا صحبتی به میان نیاید.

با توجه به آن چه گفته شد می‌توان نتیجه‌گیری کرد به نظر می‌رسد بایدن در مورد سوریه به خصوص در رقابت با روسیه و ایران به ترکیه امتیاز دهد.

در مورد اقلیم کردستان عراق نه بایند و نه ترمپ از رفراندوم استقلال اقلیم کردستان حمایت نکردند. با این حال، ممکن است بایند تمایل داشته باشد در برابر همکاری حکومت اسلامی ایران پیرامون برنامه اتمی احتمال دارد از سازمان‌های ناسیونالیست کردی و و غیره و یا سطنت‌طلبان حمایت نکند.

احتمالاً حضور نیروهای امریکا در عراق، تحت رهبری بایند هم ادامه خواهد یافت. احتمالاً در صورت ادغام حشد الشعبی در ارتش عراق و یا کاهش نفوذ حکومت اسلامی ایران، نیروهای امریکا در این کشور کاهش یابد. احتمال دارد در صورت ورود حاکمیت‌ها ایران و امریکا به برنامه توافق اتمی، تعداد بیش‌تری از نیروهای امریکا و یا کل این نیروها از عراق خارج شوند.

توافق اخیر میان اقلیم کردستان و دولت مرکزی عراق بر سر عادی‌سازی وضعیت در منطقه ایزدی‌نشین شنگال سؤال برانگیز است. از یک طرف، ممکن است نیروهای پ.ک.ک و نیروهای یگان‌های مدافع شنگال در ارتباط با ترکیه تحت فشار قرار گیرند. با توجه به این که تعداد زیادی از ایزدی‌ها به منطقه شنگال بازگشته‌اند حکومت محلی اقلیم کردستان را نگران کرده است که نیروهای بیش‌تری به پ.ک.ک و یگان‌های مدافع شنگال جذب شوند. ممکن است این مسأله باعث ایجاد مشکلاتی شود. از هم اکنون نیروهای حزب دموکرات اقلیم کردستان عراق به رهبری بارزانی در تلاشند پ.ک.ک را از مناطق فعلی به عقب‌نشینی وادار سازند.

با توجه به این که اربیل و بغداد بر خروج نیروهای نزدیک به پ.ک.ک از شنگال تاکید دارند نکته حائز اهمیت آن است که نیروهای نزدیک به پ.ک.ک و کنگره جوامع کردستان در شنگال حضور فعال و چشم‌گیری دارند. بسیاری از ایزدی‌ها به خاطر نجات دادن آن‌ها و ایجاد کرپدوری از طریق کوهستان به منطقه امنی در سوریه و کمک به آن‌ها برای بازپس گرفتن زادگاهشان از دست داعش سپاس‌گزار پ.ک.ک هستند. جدا از این که چه اتفاقی می‌افتد به نظر نمی‌رسد بایند در این موارد ترکیه را تحت فشار قرار دهد.

معاون پیشین رئیس‌جمهوری وقت باراک اوباما تاکید می‌کند که یکی از منابع اولیه نفوذ ایالات متحده و رابطه آن با دنیا، که توسط دولت ترمپ تخریب شده، باید با داشتن اولویت اصلاح گردد. او می‌نویسد مسأله: «نه فقط نمایش نمونه‌ای از قدرت ما، بلکه همچنین قدرتی است که این نمونه منعکس می‌کند.» منظور بایند از «رابطه با دنیا» بازسازی روابط حاکمیت امریکا با آن دولتی‌هائی است که در دوره ریاست جمهوری ترمپ خدشه‌دار شده‌اند.

تدوین‌کنندگان سیاست‌های پیش روی بایند، بر این عقیده‌اند که دنیا نمی‌تواند «خودش خود را سازماندهی کند.» بنابراین، راه دیگری جز این نیست که نظم جهانی دیگری برقرار شود که در آن دولت ترمپ تنها یک وقفه ویران‌گر بوده است. از این‌رو، این نظم باید مجدداً ساخته شود. امریکا که طرح‌های اصلی این نظم را در اختیار دارد، خود را مالک جهان می‌داند. بایند و مشاورانش هشدار داده‌اند که در غیر این صورت «یا کسی دیگر، به شکلی که منافع و ارزش‌های ما را تامین نمی‌کند، جای ایالات متحده را می‌گیرد، و یا این‌جا خالی می‌ماند و هرج و مرج برقرار می‌شود.»

این برنامه دموکرات‌ها نشان می‌دهد که همه اقدامات رئیس‌جمهوری ترمپ به شکست انجامیده و اکنون ضرورت دارد که سیاست خارجی و داخلی امریکا «بازسازی» و یا «نوسازی» شود.

البته بحث نظم جهانی بحث جدید نیست چرا که پدر بوش پس از فروپاشی شوروی در سال ۱۳۹۱ بحث «نظم نوین جهانی» را پیش کشید و بسیاری از تئوریسن‌های وابسته به هیات حاکمه امریکا نیز پایان تاریخ و پیروزی قطعی دموکراسی بورژوائی را نوید دادند. ریاکارانه شکست حاکمیت شوروی را شکست کمونیسم و افکار مارکس نامیدند. اما بر خلاف چنین نظریاتی امریکا نه تنها پیروز نظم نوین جهانی نشد بلکه رقبای جدی همچون چین و روسیه پس شوروی و اتحادیه اروپا نیز در صحنه جهانی رقیب امریکا شدند. افکار مارکس نیز بر اساس گزارشات و تحلیل‌های

جهانی مجددا طرفداران زیادی پیدا کرد. اکنون تیم بایدن این نظم جهانی را به نقد و رد سیاست‌های رئیس جمهوری خود ترمپ محدود کرده‌اند.

اما برای بایدن نیز تنظیم سطح سیاست خارجی کلان امریکا با جهان چندان سهل نخواهد بود از جمله روابط کنونی بین چین، اتحادیه اروپا، روسیه، ایران، مسأله فلسطین - اسرائیل، مسأله عراق، افغانستان، سوریه، لیبی، ترکیه و... از آنجا که نظم جهانی بر خلاف جهان دو قطبی سابق چندین سطح متمایز دارد، بیش از آن که برپایه شکلی سلسله مراتبی استوار باشد، بر مبنای تغییر و تعدیل دائمی تعادل‌های بدون ثبات اقتصادی، سیاسی و امنیتی قرار دارد که دستخوش اثرات تغییرات است.

در واقع سی سال پس از پایان جنگ سرد، شکل تعادل‌های جهانی و منطقه‌ای به‌طور اساسی تغییر یافته است. امریکا، که از نظر نظامی بر بقیه جهان برتری قابل ملاحظه‌ای دارد، اکنون نمی‌تواند به پیشروی آشکار چین و روسیه بی‌توجه بماند و شانه بالا بیاندازد. چین کنونی به قدری قوی است که می‌تواند در دو عرصه اقتصادی و با امریکا رقابت کند. چین، دیگر آن شرایط شوروی سابق را پشت سر گذاشته و دیگر امریکا و همپیمانان آن نمی‌توانند فروپاشی چین مانند شوروی را تصور کنند. البته امروز در میان بازیگران ردیف اول قدرت‌هایی مانند ژاپن یا هند نیز قرار دارند.

به این ترتیب در شرایطی کنونی جهان، یکی از مشکلات اصلی گفتمان لیبرالسم برتری‌جوئی ساختار نظم جهانی است که بایدن مدعی حل آن را دارد. شعار اصلی ترمپ در انتخابات چهار سال پیش «نخست امریکا» بود که نویسندگان برنامه او بدون آن که نام آن را بیاورند آن را در بسته‌بندی دیگر ارایه می‌دهند. اکنون بایدن به صراحت می‌گوید: «به عهده امریکا است که پیشرو باشد.»

اکنون مفهوم «پایان تاریخ» که در فردای جنگ سرد، فرانسیس فوکویاما مطرح کرد اکنون در اثری با عنوان «هویت: درخواست کرامت و سیاست کینه‌ورزی» را پیش کشیده است.

در هر صورت باید توجه کرد که بخشی از «طبقه حاکم» نیز علیه ترمپ بود و صدها میلیون دلار به کارزار رقیبش بایدن کمک کردند، که برجسته‌ترین‌شان مایکل بلومبرگ میلیاردر نیویورکی از سلاطین وال‌ستریٹ، و سران شرکت‌های فن‌آوری اطلاعات بودند، مردانی که ثروتمندترین افراد روی کره زمین را تشکیل می‌دهند. بیل گیتز و همسرش ملیندا، رهبران امپراتوری مایکروسافت، هرگز به طور علنی از یک نامزد حمایت نکرده‌اند اما بیل گیتز بارها ناراضایتی‌اش را از عملکرد کابینه‌ی ترمپ بیان کرده بود. او و همسرش از نزدیکان هیلاری و بیل کلینتون هستند. جف بزوس، رئیس شرکت آمازون و از بزرگترین سوپرمیلیاردرهای جهان، صاحب روزنامه «واشنگتن پست» است، روزنامه‌ای که از دشمنان دیرینه ترمپ محسوب می‌شود. رید هافمن (رئیس لینکدین)، اریک اشمیت (رئیس سابق گوگل)، داستین مسکوویتز (از بنیان‌گذاران فیس‌بوک)، لاری پیج و سرگئی برین (گوگل) و تعداد زیادی از فرمانروایان «سیلیکون ولی» به حزب دموکراتیک نزدیک هستند. این گروه را در امریکا با عنوان «میلیاردرهای لیبرال» می‌شناسند.

در واقع مهار مهاجرت به امریکا یکی از وعده‌های اساسی در کارنامه سیاسی ترمپ بوده است. او در تلاش برای پیروزی دوباره در انتخابات، قول داده به ساخت دیوار مرزی میان امریکا و مکزیک ادامه دهد. ترمپ تاکنون موفق شده بودجه ساخت ۷۱۶ کیلومتر از این دیوار مرزی که ۱۱۶۲ کیلومتر طول خواهد داشت، را تامین کند.

او همچنین وعده داده لاتاری کارت سبز امریکا و مهاجرت زنجیره‌ای - مهاجرت به امریکا بر اساس پیوندهای خانوادگی- را لغو و سیستم ورود بر اساس «شایستگی» را جایگزین آن کند.

اما برنامه‌های ترمپ برای اصلاح قانون مهاجرت تابستان امسال با شکست مواجه شد و دیوان عالی امریکا طرح پیشنهادی دولت او برای لغو قانون حمایت از فرزندان مهاجران غیرقانونی در امریکا (داکا) را رد کرد. این قانون از حدود ۶۵۰ هزار جوان که در کودکی بدون سند هویتی و مهاجرتی وارد امریکا شده‌اند، حمایت می‌کند.

شکست ترمپ پس از یک دوره زمامداری چهار ساله، معمولاً جزو استثنائات است چرا که قاعده رایج پیروزی همان رئیس‌جمهور در دور دوم است. اما در امریکا، از سال ۱۹۱۳، ترمپ پس از بوش پدر، جیمی کارتر، هربرت هور و ویلیام هاوارد پنجمین رئیس‌جمهوری است که نتوانسته در یک قرن اخیر برای بار دوم قدرت را در امریکا در دست بگیرد.

تارنمای پولیتیکو اوایل تابستان امسال در گزارشی به نقل از «سام نونبرگ» مشاور سیاسی سابق ترمپ که همچنان حامی او بوده، نوشته بود که مسیر فعلی ترمپ به یکی از سنگین‌ترین شکست‌های الکترا ل در تاریخ انتخابات ریاست جمهوری مدرن امریکا و به یکی از سخت‌ترین شکست‌های رئیس‌جمهور مستقر در کاخ سفید منجر می‌شود.

نونبرگ برای اثبات ادعای خود به نظرسنجی‌های ملی منتشر شده توسط «سی ان بی سی» و «نیویورک تایمز» اشاره کرده و گفته بود شانس ترمپ در برابر بایدن به زیر ۴۰ درصد رسیده است.

اکثر موسسات نظرسنجی و شرطبندی در جهان به ویژه امریکا با توجه به تجربه تلخ سال ۲۰۱۶ که پیش‌بینی‌هایشان مبنی بر پیروزی هیلاری کلینتون بر ترمپ درست از آب درنیامده بود، پس از چهار سال تلاش کردند با رفع نقایص کار خود، به نتایج واقعی‌تری دست یابند و این بار اکثر آن‌ها پیروزی جو بایدن نامزد دموکرات‌ها را پیش‌بینی کردند.

به گفته تحلیل‌گران، تصدی کرسی ریاست‌جمهوری در امریکا مخصوصاً در دور دوم، نیازمند عملکردی قابل توجه برای کسب محبوبیت، جمع کردن پول برای کارزار انتخاباتی و داشتن برنامه سیاسی است که پس از شروع همه‌گیری کرونا از سال ۲۰۱۹ عملکرد اقتصادی دولت ترمپ در این زمینه به‌شدت زیر ذرهبین رسانه‌ها و حزب دموکرات قرار داشت.

تارنمای نشنال اینترست در ماه جاری در گزارشی با مقایسه نظرسنجی‌های ملی در خصوص پیش‌تازی بایدن نسبت به ترمپ و وضعیت هیلاری کلینتون در سال ۲۰۱۶، شرایط نامزد حزب دموکرات را در سال جاری بهتر از کلینتون توصیف و وضعیت ترمپ را دشوار ارزیابی کرد و نوشت: ترمپ برای تضمین پیروزی در انتخابات هفته آینده، باید میخ اقتصاد را محکم‌تر به زمین بکوبد. زیرا گسترش بیماری کووید ۱۹ در امریکا از اوایل ماه مارس (اسفند) همه چیز را تغییر داد. در ماه ژانویه (دی ۹۸) و پیش از شیوع ویروس کرونا همه فکر می‌کردند که رقابت‌های انتخاباتی ۲۰۲۰ امریکا بر سر اقتصاد بوده و بی‌شک ترمپ برنده است.

نشنال اینترست همچنین نوشت: نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد در ایالت‌های کلیدی همچون ویسکانسین، میشیگان، پنسیلوانیا، کارولینای شمالی، فلوریدا و آریزونا بایدن با اختلاف ۳.۸ درصدی پیش‌تاز است در حالی که کلینتون در این مرحله از رقابت‌ها با اختلاف ۲.۸ درصدی نسبت به ترمپ جلوتر بود.

بسیاری از تحلیل‌گران مدیریت بسیار بد بحران کرونا در امریکا، قتل جورج فلوید و خیزش جنبش ضد تبعیض علیه رنگین پوستان و ائتلاف اوپاما- سندرز در حمایت از بایدن را از دلایل شکست ترمپ و یک دوره‌ای شدن دوران ریاست جمهوری اش ارزیابی کرده‌اند.

تارنمای نشریه معروف اکونومیست نیز پیش از برگزاری انتخابات سوم نوامبر، پیروزی بایدن را قطعی دانست و محافل مالی - سیاسی لندن نیز با توجه به گزارش ۱۱ اکتبر تایمز لندن و پیش‌بینی اکونومیست پیروزی بایدن را قبل از برگزاری این انتخابات قطعی می‌دانستند.

ترمپ که به یاری شبکه اجتماعی توئیتر در دور اول ریاست جمهوری در سال ۲۰۱۶ توانسته بود هیلاری کلینتون نامزد دموکرات‌ها را بر خلاف نظرسنجی‌ها و حمایت اکثر غول‌های رسانه‌های امریکا شکست دهد، این‌بار نیز تلاش کرد از طریق این شبکه‌های اجتماعی به جنگ رسانه‌های امریکائی برود اما این‌بار توئیتر و فیس‌بوک از همان ابتدا شمشیر را از رو بستند و به مقابله با اظهارات ترمپ پرداختند.

شاید از همین رو بود که «آدام جانسون» روزنامه‌نگار معروف امریکائی در حساب کاربری خود در توئیتر نوشت: هیچ‌کس به اندازه توئیتر در تیم رسانه‌ای بایدن تلاش نکرده است.

ترمپ که در شمارش آرای روز انتخابات تا ظهر چهارشنبه چهارم نوامبر به روایت رسانه‌های امریکائی از رقیب دموکراتش پیش افتاده بود، خود و برخی هوادارانش پس از شمارش آرای رای‌دهندگانی که حضوری در روز سوم نوامبر رای داده بودند، خواستار توقف شمارش آرا شدند در حالی‌که جو بایدن نامزد دموکرات‌ها هوادارانش را به صبر و آرامش دعوت می‌کرد و خواستار شمارش تک‌تک آرا بودند.

ترمپ در پی شمارش آرای پستی و پیشی گرفتن رقیب دموکراتش بار دیگر از تقلب دموکرات‌ها در انتخابات گفت. دونالد جونیور ترمپ (ترمپ پسر) نیز گفت: ما خواهان شفافیت کامل هستیم. دموکرات‌ها باید از این کار استقبال کنند مگر اینکه واقعا مشغول تقلب باشند. نخستین کاری که دونالد ترمپ می‌تواند در این انتخابات انجام دهد این است که در هریک از جدال‌ها تا پای جان مبارزه کند.

پیش از این، اریک ترمپ دیگر فرزند ترمپ دموکرات‌ها را به تقلب متهم کرده بود. اریک ترمپ در واکنش به نزدیک شدن بایدن به ۲۷۰ رای الکترال گفته بود: این یک کلاهبرداری واقعی است. ما پنسیلوانیا را برنده می‌شویم. آن‌ها می‌خواهند با تقلب ما را از آن باز دارند.

پسران ترمپ در میانه شمارش آرای پستی و پیشی گرفتن بایدن بر پدرشان نوشتند: جمهوری‌خواهان کجا هستند؟ رای‌دهندگان فراموش نخواهند کرد.

این اظهارات بیشتر از آن‌که هشدار باشد، حکایت از آن داشت که حزب جمهوری‌خواه همچون دور اول از ترمپ دفاع نمی‌کند.

در سومین روز بعد از برگزاری انتخابات نیز پسر بزرگ ترمپ در حالی‌که رسانه‌های امریکا از پیشی گرفتن جو بایدن در ایالت‌های باقی‌مانده همچون جورجیا و پنسیلوانیا خبر می‌دادند، همه را دعوت به جنگ تمام عیار علیه انتخابات ۲۰۲۰ کرد و در توییتری نوشت: بهترین چیز برای آینده امریکا این است که به جنگی تمام عیار علیه این انتخابات برود تا تمام تقلب‌ها، کلاهبرداری‌ها و آرای افراد فوت شده و کسانی که دیگر ایالتی که در آن رای داده‌اند زندگی نمی‌کنند، بر ملا شود. این اظهار نظر پسر ترمپ بلافاصله با واکنش «جو والش» از حزب جمهوری‌خواه مواجه شد که در پاسخ نوشت: جونیور احمق فراخوان جنگ می‌دهد. دستان او و پدرش و بقیه آن‌ها به خون آغشته خواهد شد.

استیو بنن مشاور و استراتژیست سابق ترمپ نیز که اواخر مرداد ماه به اتهام کلاهبرداری به بهانه جمع‌آوری کمک برای ساخت دیواری در مرز امریکا و مکزیک بازداشت شده بود، در توییتری علیه آنتونی فاوچی مدیر موسسه ملی پیشگیری از بیماری‌های عفونی و کریستف ری مدیر اف بی آی نوشت که باید سر آن‌ها را برید و در دو سوی کاخ سفید آویزان کرد تا هشدار برای کارکنان اداری شوند.

فاکس نیوز رسانه جمهوری‌خواهان و نزدیک به ترمپ که در شمارش آرای الکترال جلوتر از سایر رسانه‌های امریکائی اقدام و در آخرین گزارشش آرای الکترال بایدن را ۲۶۴ و آرای الکترال ترمپ را ۲۱۴ اعلام کرده بود، در سومین روز

پس از برگزاری انتخابات در گزارشی اعلام کرد نرم افزارها هزاران رای ترمپ را به اسم بایدن در میشیگان ثبت کرده‌اند!

این اقدام فاکس نیوز در حالی بود که برخی رسانه‌های امریکائی گزارش داده بودند ترمپ در مکالمه تلفنی با رابرت مرداک هوادار ۸۹ ساله خود، داد و فریاد به راه انداخت زیرا کانال تلویزیونی فاکس نیوز، متعلق به وی، از پیروزی جو بایدن دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری در ایالت آریزونا خبر داده بود.

جک دانافورت سناتور جمهوری‌خواه سابق میسوری در واکنش به اتهامات ترمپ در خصوص تقلب در انتخابات امریکا در حساب کاربری خود نوشت: هدف رئیس‌جمهور ترمپ از مطرح کردن تقلب گسترده در انتخابات تضعیف باور امریکائی‌ها به مشروعیت انتخابات و در نتیجه پایه و اساس دموکراسی ماست. او صدمه بی‌حد و حصری به کشور ما می‌زند.

میت رامنی سناتور جمهوری‌خواه با انتقاد از ادعاهای پی در پی ترمپ مبنی بر تقلب در انتخابات ۲۰۲۰ در پیامی توئیتری گفت: رئیس‌جمهوری حق دارد خواستار بازشماری آرا و انجام تحقیقات در مورد برگ‌های رای شود اما نمی‌تواند بدون سند و مدرک مدعی سرقت آرا و انجام تقلب در انتخابات شود. اظهارات ترمپ در مورد سرقت آرا و وجود تقلب در انتخابات می‌تواند آزادی در کشور و سرتاسر جهان را خدشه‌دار کند و باعث تضعیف نهادهائی که در بنیان جمهوری قرار دارند شود و بی‌پروا احساسات مخرب و خطرناک را ملتهب می‌کند.

پت تومی سناتور جمهوری‌خواه از ایالت سرنوشت‌ساز پنسیلوانیا نیز، ادعای تقلب نامزد حزب خود یعنی دونالد ترمپ را زیر سؤال برد و گفت: سخنرانی رئیس‌جمهوری را دیدم و تماشایش خیلی سخت بود. ادعاهای رئیس‌جمهور درباره دستکاری گسترده و تقلب در انتخابات بنیادی ندارد. من از هیچ تخلف قابل ملاحظه‌ای در این‌جا خبر ندارم. ببینید، تخلفات در تمام انتخابات‌ها وجود دارند. اما این‌ها عموماً مواردی بسیار کوچک و در حد آرائی انگشت‌شمار هستند.

واکنش‌ها به رفتارهای ترمپ به همین‌جا ختم نشد و ترمپ که مدام در طول دوران ریاست جمهوری‌اش به خبرنگاران منتقد خود می‌تاخت، این بار آن‌ها بودند که به او تاختند و شبکه‌های بزرگ خبری امریکا ای بی سی، سی بی اس، و ان بی سی هنگامی که ترمپ روز پنج‌شنبه (دومین روز برگزاری انتخابات) در کنفرانس خود در کاخ سفید درباره تقلب در انتخابات امریکا صحبت کرد، پخش زنده سخنرانی او را قطع کردند.

«لستر هولت» مجری شبکه ان بی سی پس از قطع سخنان ترمپ در این شبکه گفت: ما باید در این‌جا پخش صحبت ترمپ را قطع کنیم، زیرا رئیس‌جمهوری اظهارات نادرستی را ارائه داد از جمله این تصور که در رای گیری تقلب صورت گرفته در حالیکه هیچ مدرکی در مورد آن وجود نداشته است.

خبرگزاری رویترز نیز از آغاز تحقیق در مورد نقض قوانین فدرال امریکا از سوی ستاد انتخاباتی ترمپ به خاطر استفاده از کاخ سفید برای مدیریت انتخابات خبر داد.

در حالی‌که دنیا نظاره‌گر انتخابات امریکا و منتظر نتایج آن بود، شبکه خبری سی بی اس در گزارشی در روزهای پس از انتخابات اعلام کرد ترمپ از کم‌کاری هواداران و مشاوران ناامید شده و مستاصل جمعه شب بیش‌تر وقت خود را به تماشای تلویزیون، تماس‌های تلفنی و رفت‌وآمد میان دفاتر کاخ سفید گذراند و کسی رغبت نمی‌کند در مورد مبارزه برای تغییر نتیجه انتخابات با ترمپ حرفی بزند.

به گزارش سی بی اس، فضای داخل کاخ سفید «بسیار سنگین» بوده و برخی از کارکنان دفتر ریاست جمهوری سرکار حاضر نشده‌اند. تارا مک کلوی گزارشگر کاخ سفید بی‌بی‌سی نیز که روز جمعه در سومین روز پس از برگزاری انتخابات ۲۰۲۰ مطابق معمول به کاخ سفید رفته بود، می‌گوید: بسیاری از میزهای کاری خالی است و فضای کاخ سفید

التهاب‌آور است. بسیاری از کارکنان در خارج از کاخ سفید با موبایل مشغول مکالمات خصوصی هستند و دائم در اطراف قدم می‌زنند.

با این همه تردیدی نیست که ترمپ از حمایت جنبشی توده‌ای برخوردار است. حمایت از او در ایالت‌های جنوبی و بخش‌هایی از غرب میانه از همه‌جا بیش‌تر است. او از راه برانگیختن نژادپرستی، زن‌ستیزی و احساسات ضد مهاجران سعی کرده است حمایت بخش‌هایی از مردم را جلب کند. اما مهم آن است که هواداران او فقط در حدود یک‌سوم کل رای‌دهندگان امریکائی را تشکیل می‌دهند. پایگاه توده‌ای نژادپرستی و فاشیسم در امریکا همین بخش است.

ترمپ در سال ۲۰۱۶ پایگاه انتخاباتی خود را با انبوهی از رای‌دهندگان سفیدپوست مزدگیران در ایالت‌های صنعتی نیز توأم کرد، که معمولاً به دموکرات‌ها رای داده‌اند. اما در انتخابات اخیر بسیاری از این رای‌دهندگان به ترمپ رای ندادند. شکست او در مدیریت و مهار همه‌گیری کووید-۱۹ نیز عده باز هم بیش‌تری را از او دور کرد.

دلایل حمایت از ترمپ در درون دستگاه سیاسی و اقتصادی امریکا متنوع‌تر است. از دیدگاه بسیاری از جمهوری‌خواهان، ترمپ صرفاً وسیله‌ای برای رسیدن به هدف بود. او کاهش مالیات، مقررات‌زدائی، افزایش هزینه‌های نظامی، و برگماری قضات محافظه‌کار در دادگاه‌ها را، که آن‌ها می‌خواستند، برای حزب‌شان تأمین کرد.

بخش‌هایی مانند انرژی، مالی، و فناوری‌های پیشرفته، از نامزدی مجدد ترمپ جمهوری‌خواه در درون دستگاه حکومتی، حمایت نکردند. چرا که کسب و کار آن‌ها بین‌المللی است، بنابراین بسیاری از آن‌ها تمایلی نداشتند از کسی حمایت کنند که تهدید به بستن مرزها و محدود کردن تجارت آزاد می‌کرد. از دیدگاه منافع آن‌ها، معیار اصلی، مدیریت کارآمد سیستم سرمایه‌داری بود.

اما کل طبقه سرمایه‌داری با خوشحالی از کاهش مالیات و مقررات‌زدائی که ریاست‌جمهوری ترمپ به ارمان آورد، استقبال کردند. برخی از بخش‌ها، مانند مجتمع نظامی-صنعتی، شاهد رشد انفجاری سودهایشان در ریاست‌جمهوری ترمپ بودند.

اما ترمپ در چهار سال گذشته ریاست جمهوری خود، خدمت بزرگی به سرمایه‌داران و شرکت‌های بزرگ امریکائی به ویژه صنایع نظامی کرد. او در سال ۲۰۱۷ فقط در یک رقم ۴۵۰ میلیارد دلار تجهیزات نظامی پیشرفته و مدرن به عربستان سعودی فروخت.

در واقع پیش از همه‌گیری کووید-۱۹، بیش‌تر سرمایه‌دارهای بزرگ خواهان دوره دوم ریاست‌جمهوری ترمپ بودند. اما به دنبال فاجعه شیوع ویروس کرونا رکود اقتصادی، سبب شد که بسیاری در وال‌استریت (مالی) و در سیلیکون‌ولی (فناوری‌های پیشرفته) به سیاست‌های بایدن متمایل شدند. در حالی که آن‌ها علاقه‌ای به افزایش احتمالی مالیات‌ها در دولت بایدن ندارند.

اما مدیران میلیاردی صندوق‌های سرمایه‌گذاری و غول‌های املاک و مستغلات از بزرگ‌ترین کمک‌کنندگان مالی ترمپ بودند و «فاکس نیوز» هم‌چنان با شور و شوق گردهمائی‌های انتخاباتی و تبلیغاتی او را از تلویزیون پخش می‌کرد.

اما ائتلاف مخالفان ترمپ بسیار گسترده بود که در سال‌های اخیر بارها مخالفت خود با ترمپ را با سازمان‌دهی و برگزاری حرکت‌های اعتراض و راهپیمائی نشان داده‌اند. در اساس، نیروی کار سازمان‌یافته، نیروهای چپ و آنارشویست و سوسیالیست، زندگی سیاهان اهمیت دارد، سازمان‌های بومیان، امریکای لاتینی‌ها و سایر گروه‌های مهاجر، سازمان‌های زنان، دگرباشان جنسی، سازمان‌های آسیائی‌های و یهودیان، جوانان، مسلمانان، و شماری دیگر را در بر می‌گیرد. در صفوف این ائتلاف، لیبرال‌ها، میانه‌روها، برخی از محافظه‌کاران، و بخش‌هایی از کسب‌وکارها نیز حضور دارند.

با توجه به چنین تنوع منافع طبقاتی و اجتماعی، روشن است که چرا ترمپ شکست خورد. در لحظه کنونی، دو گرایش سیاسی مخالف در امریکا برجسته هستند. در یک سو، ارتجاعی‌ترین و فاشیست‌ترین عناصر هستند که از ترمپ می‌کنند. در سوی دیگر، همه کسانی‌اند که می‌خواهند دموکراسی بورژوازی را با همه نواقص و کمبودهایی که دارد حفظ کنند.

متأسفانه در این میان استراتژی و تاکتیک‌های طبقاتی جنبش کارگری و کمونیست‌ها شفاف نیست چرا که صف مستقل خود را ندارند و چه بسا برخی از آن‌ها، همچنان به دموکرات‌ها متهم هستند و شاید هم به بایدن رای داده‌اند. در حقیقت مبتکر بخش عمده‌ای از بسیج و تحرکی که به پیروزی بایدن منجر شد، جنبش‌های توده‌ای خودجوش بوده‌اند، نه دموکرات‌ها.

با توجه به بحران اقتصادی کنونی، بایدن سیاست نولیبرالی را پیش خواهد برد، و عمدتاً در خدمت سرمایه مالی و شرکت‌های فناوری خواهد بود.

گرچه شرایط کنونی امریکا و جهان مثل سال‌های ۲۰۰۰ نیست. خیلی چیزها تغییر کرده است. امریکا با همه‌گیری مرگبار و بحران اقتصادی بی‌سابقه (از زمان رکود بزرگ دهه ۱۹۳۰) تا کنون مواجه است. علاوه بر این، امروزه جنبش‌های چپ و مردمی فعال‌تر و آگاه‌تر از آن هستند که در سال‌های پیش بودند. اگر مجموعه این عوامل را در کنار هم قرار دهیم با تابلویی را مواجه می‌شویم که بایدن و دموکرات‌ها نمی‌توانند صرفاً همان سیاست‌های نولیبرالی را خود را به روال سابق ادامه دهند.

جنبش «زندگی سیاهان اهمیت دارد» در حال افزایش نفوذش در جامعه است و برخی از رهبران آن دیدگاه‌های چپ‌گرایانه خود را در ارتباط با نابرابری‌های اقتصادی سرمایه‌داری، انکار نمی‌کنند. این جنبش و برنامه عمل آن‌ها علیه سیستم سرمایه‌داری است و به همین دلیل جنبش کارگری از آن حمایت می‌کند. این جنبش در سال‌های اخیر از درون مبارزه با خشونت پولیس و نژادپرستی ساختاری در امریکا بیرون آمده، اما به طور کلی این مبارزه محصول مبارزه ۴۰۰ ساله برای آزادی سیاهپوستان در امریکای شمالی است.

قتل جورج فلویید در تابستان امسال به دست پولیس، جرقه شورشی ضدنژادپرستی را در شهرهای سراسر امریکا زد و آن‌چنان شعله‌ور شد که به اروپا نیز کشیده شد. و به همین دلیل این بار شمار عظیمی از امریکائی‌های آفریقائی‌تبار را به رای‌دادن در انتخابات روی آوردند. بسیاری از رهبران و فعالان جنبش «زندگی سیاهان اهمیت دارد» ارتباط بین سرمایه‌داری و نابرابری و تبعیض را مورد نقد قرار می‌دهند و می‌دانند که پایان دادن قطعی به نژادپرستی نیاز به دگرگونی بنیادی سیستم سرمایه‌داری دارد. بنابراین، این جنبشی است که از مبارزه با ترمپسم فراتر می‌رود و از همین حالا تأثیری تاریخی بر جامعه امریکا گذاشته است.

تجربه کووید ۱۹ در امریکا، نشان‌دهنده وضعیت کلی آن‌جا نیز است. طبق آمار مراکز کنترل و پیشگیری از بیماری در ایالات متحده (CDC)، سیاهپوستان، سرخپوستان، و لاتین‌ها، حداقل ۶/۲ برابر بیش‌تر از سفیدپوستان در معرض خطر ابتلا به کووید ۱۹ هستند و میزان مرگ ناشی از کووید ۱۹ در سرخپوستان و سیاهپوستان به ترتیب ۱/۴ و ۲/۱ درصد بیش‌تر از میزان مرگ سفیدپوستان در اثر کرونا است.

پژوهش‌های انجام شده به‌دفعات نشان داده‌اند که آفریقائی‌- امریکائی‌ها، جوامع لاتین و امریکائی‌های بومی برای ابتلا به بیماری‌های غیرواگیر بیش‌تر از دیگران در معرض خطرند، امری که باعث افزایش خطر ابتلای آنان به کووید ۱۹ می‌شود.

بر اساس نظر شارل باربر، متخصص بیماری‌های همه‌گیر در نشریه *انسیت* «سیاه‌پوستان ۱۳ درصد از جمعیت ایالات متحده را تشکیل می‌دهند ولی تقریباً یک‌چهارم قربانیان کووید ۱۹ از آنان است که از تعداد قربانیان سفیدپوست حدود چهار برابر بیشتر است... احتمال ابتلای سیاه‌پوستان- در تمام گروه‌های سنی- تقریباً سه برابر بیشتر از شهروندان سفیدپوست است.»

پیش از شیوع این ویروس، مردم سیاه‌پوست و لاتین زودتر از سفیدپوستان در اثر سرطان، دیابت، فشارخون، بیماری‌های مزمن تنفسی و سایر بیماری‌های غیرواگیر فوت می‌کردند. متوسط عمر آنان ۵۰ سال است که از عمر سفیدپوستان ایالات متحده بسیار کمتر است. وضعیت سلامتی آنان در هنگام ابتلای‌شان به کووید ۱۹ خطرانی جدی برای‌شان در بر دارد. مطالعات متعدد نشان‌دهنده وجود تبعیض نژادی و نگرشی نژادپرستانه در تجربه مراقبت‌های بهداشتی از آنان است. نتیجه این مطالعات اغلب نمایانگر کیفیت پایین مراقبت پزشکی و کاهش دسترسی آنان به خدمات بهداشتی و پزشکی است.

متوسط درآمد یک خانواده آفریقائی‌تبار امریکائی در سال ۲۰۱۸، مبلغ ۴۱ دلار و ۳۶۱ سنت و خانواده‌های سفیدپوست ۷۰ دلار و ۶۴۲ سنت بوده است. نرخ فقر در آفریقائی‌تبارها در آن سال ۸/۲۰ درصد بود که بیش از دو برابر نرخ سفیدپوستان بوده است. در حقیقت، فقر به‌تنهایی سیاه‌پوستان و لاتین‌ها را مستعد ابتلا به بیماری‌ای جدی یا مرگ از طریق کووید ۱۹ می‌کند.

درآمد کم اغلب به‌معنای کاهش دسترسی به خدمات درمانی به‌دلیل نداشتن توانائی مالی در پرداخت هزینه‌ها یا نبودن زیر پوشش بیمه درمانی است. اغلب نتیجه امر این است: بی‌بهره ماندن از مراقبت‌های منظم بهداشتی، داشتن مشکلات معیشتی، خانواده پرجمعیت و شرایط کاری که ممکن است آنان را در معرض شیوع ویروس قرار دهد. با این‌همه، تاثیرات درآمد کم و نژادپرستی اغلب با هم ترکیب گردیده و در این‌گونه مطالعات به‌راحتی از هم متمایز نمی‌شوند. در شرایط ایده‌آل، مراقبت‌های بهداشتی به‌صورت مشارکتی انجام می‌پذیرند. پزشکان به‌طور معمول از همکاران‌شان که در مورد شرایط ناشناخته پزشکی آگاهی دارند یا مهارت‌های درمانی ویژه دارند کمک می‌گیرند. آنان به‌دنبال مشاوره هستند.

ریچارد هورتون، سردبیر نشریه *انسیت*، به متخصصان بیماری‌های عفونی توصیه می‌کند برای مقابله با کووید ۱۹ مشورت کنند. به‌خصوص: «برای محدود کردن آسیب‌های ناشی از کووید ۱۹ لازم است توجه بیشتری به بیماری‌های غیرواگیر (NCD) و نابرابری‌های اقتصادی-اجتماعی مبذول کنند و تا زمانی که دولت‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌هایی را برای غلبه بر این تفاوت‌های عمیق طرح نکنند، جامعه‌های ما هرگز به‌طور واقعی از کووید ۱۹ در امان نخواهند بود.» در واقع دکتر هورتون و دکتر مارتینز، هر دو، از فعالان سیاسی، سیاست‌مداران، و جنبش مردمی می‌خواهند تا در تدوین برنامه‌های همه‌جانبه (در بر گیرنده همه قشرهای جامعه) برای پیش‌گیری و درمان، نقشی فعال داشته باشند. آنان در مسیر جامعه‌ای مبتنی بر عدالت تلاش می‌کنند.

البته کارزارهایی که برنی سندرز به راه انداخت، کمک شایانی به پیروزی بایدن کرد را نباید نادیده گرفت. اکنون بیش از پیش توجه میلیون‌ها جوان و کارگر امریکائی به اندیشه سوسیالیسم این علم رهایی بشر جلب شده است حتی اگر هنوز برای برخی از آن‌ها کاملاً روشن نیست که معنا و مفهوم دقیق سوسیالیسم چیست. آموزش رایگان، اصلاحات در زمینه بهداشت و درمان برای همه، حقوق اتحادیه‌ای، مالیات بر ثروتمندان، و متوقف کردن تغییرهای آب‌وهوایی زیان‌بار همه با تلاش‌های سیاسی سندرز و حامیان در میان مردم محبوبیت بیشتری پیدا کرده است. تاثیر او را در رشد سریعی که اخیراً در سازمان‌های چپ دیده شد نیز می‌توان یافت. سوسیالیست‌های دموکرات امریکا، بزرگترین

سازمان سوسیال دموکرات‌های امریکا، پس از سال ۲۰۱۶ شاهد رشدی انفجاری در میزان عضویت بود. و حزب کمونیست امریکا نیز در چند سال اخیر هزاران عضو جدید جذب کرده است. بیش از هر زمان دیگری، اکنون مردم وضعیت موجود سرمایه‌داری را زیر علامت سؤال برده‌اند و در مسیر ایجاد تغییرات بنیادی در حرکتند.

با وجود همه این‌ها، شکی نیست که سرمایه‌داران بیرون و درون حزب دموکرات تلاش خواهند کرد تا دولت بایدن را به مسیر دل‌خواه خود بکشانند در مقابل مطالبات و نیازهای مردم قرار خواهند گرفت.

گرچه شکست ترمپ با اختلاف زیاد ضربه بزرگی به ترمپسیسم کرد، اما نباید این‌طور تعبیر شود که راست محافظه‌کار دوباره خودش را جمع‌وجور نکند. ترمپ در دوره چهار سال ریاست جمهوری خود، نژادپرست‌ترین و ارتجاعی‌ترین عناصر و گرایش‌ها را تقویت و کریتر کرده است. به عبارت دیگر، ترمپ به عنوان یک فرد از صحنه خارج شود، جمهوری‌خواهانی هستند که پا جای پای او خواهند گذاشت. مبارزه جناحی گسترده‌ای وجود خواهد داشت، با ترمپ یا بدون او، ترمپسیسم وجود خواهد داشت.

دولت بایدن برای طی کردن دوره انتقال قدرت، استقرار و ورود جدی و علنی به مجموعه مشکلاتی که با ایران دارد، حداقل شش ماه زمان صرف خواهد کرد. در طول این دوره، ایران وارد فضای انتخابات ریاست‌جمهوری ۲۰۲۰ و انتخاب رئیس‌جمهور جدید می‌شود و احتمالاً مذاکرات جدی بر سر برخی مسائل به دولت آینده ایران موکول می‌شود.

بایدن دست‌کم موضع نرم‌تری علیه اسلامی نخواهد گرفت. احتمال بازسازی و تکرار برجام سال ۲۰۱۵ نیز تا حدودی غیرممکن است. تحریم‌های اعمال شده علیه ایران نیز بلافاصله پس از رسیدن بایدن به مقام ریاست‌جمهوری لغو نخواهد شد.

اگر چه جو بایدن گفته است که می‌خواهد مسیری معتبر برای بازگشت به دیپلماسی به ایران پیشنهاد کند، اما، او در عین حال تأکید کرده است که «رویکردی سخت در قبال ایران» اتخاذ خواهد کرد و بازگشت امریکا به برجام مشروط به رعایت دقیق و کامل کلیه تعهدات اتمی از سوی حکومت اسلامی ایران است.

دولت بایدن همچنین با مسائل و موانع مهمی چون سنای جمهوری‌خواه، مخالفت جدی دولت اسرائیل و برخی کشورهای عربی با بازگشت به برجام و بهبود روابط با ایران، متنوع و گسترده‌شدن تحریم‌های ایران در دوره ترمپ، آینده تعهدات هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۳، برنامه موشکی، درگیری‌های منطقه‌ای و ... مواجه است و از نظر سیاست داخلی هم چگونگی مواجهه خامنه‌ای و فرماندهان سپاه که به او مشاوره می‌دهند با دولت بایدن یک موضوع مهم است.

رئیس دولت دوازدهم در نشست شنبه ۱۷ آبان-۷ نوامبر ستاد ملی مبارزه با کرونا، برای دومین بار طی سه روز گذشته ابراز امیدواری کرد دولت آینده ایالات متحده به تعهدات بین‌المللی خود برگردد.

اشاره آشکار حسن روحانی به خروج دولت کنونی امریکا از توافق هسته‌ای و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در اردیبهشت ۱۳۹۷ است که پس از آن تحریم‌های لغو یا تعلیق شده علیه جمهوری اسلامی دوباره اعمال شد.

حسن روحانی ۱۴ آبان نیز در نشست هیئت دولت در سخنان مشابهی گفته بود: «ما می‌خواهیم امریکا به قانون و همه معاهدات بین‌المللی و چندجانبه و احترام به ملت ایران برگردد. اگر امریکا تحریم ظالمانه را برداشت و احترام گذاشت، آن وقت شرایط ما فرق می‌کند.»

برخی رسانه‌های خارجی، از جمله روزنامه فرانسوی لوموند و خبرگزاری آلمان این سخنان روحانی را نشانه خوش‌بینی جمهوری اسلامی به پیروزی جو بایدن، نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست جمهوری امریکا و بازگشت امریکا به برجام ارزیابی کرده‌اند.

این اظهارات در حالی بیان شده که پیش از این علی خامنه‌ای، و دیگر مقام‌های ارشد حکومت اسلامی ایران مانند حسن روحانی و وزیر خارجه دولت او محمد جواد ظریف مدعی بودند این که چه کسی در چهار سال آینده ریاست امور در کاخ سفید را بر عهده داشته باشد فرقی نمی‌کند.

با افزایش احتمال پیروزی جو بایدن بر رقیب خود از حزب جمهوری‌خواه ظاهراً چرخشی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی یا دست‌کم در اظهارات مقام‌های دولتی در حال شکل‌گیری است.

وزیر خارجه بر خلاف سخنان هفته گذشته خود، در سفر به امریکای لاتین در گفت‌وگو با شبکه تلویزیونی «تله سور» گفته هنوز معلوم نیست که در رقابت میان بایدن و ترمپ در انتخابات امریکا چه کسی پیروز خواهد شد اما «مشخص است» که بین آن‌ها تفاوت وجود دارد.

علی خامنه‌ای به‌تازگی گفته است که سیاست حکومتش در مقابله امریکا «مشخص» است و فرقی ندارد که چه کسی رئیس‌جمهور امریکا می‌شود. این «سیاست مشخص» یعنی این‌که امکان رابطه با امریکا وجود ندارد، ولی به معنای عدم امکان مذاکره نیست.

بایدن قبلاً اعلام کرده که سیاست بازگشت به برجام دارد و خامنه‌ای برای مذاکره دو کشور در قالب برجام مجوز داده است، از جمله در شهریور ۹۸ گفت: «چنانچه امریکا... به معاهده هسته‌ای که آن را نقض کرده است بازگشت، آن وقت در جمع کشورهای عضو معاهده که شرکت و با ایران صحبت می‌کنند، امریکا هم می‌تواند شرکت کند.»

البته در دوران اوباما، خامنه‌ای مجوز داده بود که مذاکرات بین ایران و امریکا در سطح وزرای خارجه دو کشور پیگیری شود، اکنون اما مشخص نیست دوباره همان اجازه را صادر کند، ولی به هر حال مجوز مذاکره داده شده است. در شرایط کنونی، حسن روحانی به بازگشت امریکا به برجام و تقویت سیگنال‌های مثبت بر اقتصاد ایران به‌شدت نیازمند است تا با بهبود وضعیت وخیم اقتصادی و کاهش نارضایتی عمومی از عملکرد دولتش، با اقتضاح و سرافکنندگی کم‌تری صحنه سیاست ایران را ترک کند. دولت روحانی احتمالاً مایل است از هم‌اکنون با بازگشت سریع به تعهدات هسته‌ای و مذاکرات پنهانی کار را پیش ببرد، ولی مشخص نیست خامنه‌ای تا چه زمانی با این روند موافق باشد. اواسط سال ۹۱، در جریان مذاکرات محرمانه هسته‌ای عمان بین ایران و امریکا، خامنه‌ای به علی‌اکبر صالحی، وزیر خارجه وقت که مذاکرات را پیگیری می‌کرد، دستور داد مشارکت در مذاکرات تا پس از انتخابات سال ۹۲ ریاست‌جمهوری ایران متوقف شود.

احتمال دارد این بار هم چنین دستوری بدهد یا روند بازگشت طرفین به پشت میز مذاکره درباره آینده برجام را از نظر زمانی طوری مدیریت کند که نقش دولت روحانی به حداقل برساند.

این موقعیت تازه از این نظر مهم است که به یاد آوریم در دو سال اخیر، او چند بار در سخنرانی‌های عمومی کد انتخاباتی داده است که ظهور یک «دولت جوان حزب‌اللهی» می‌تواند مشکلات داخلی را حل کند. اشاره خامنه‌ای به لزوم فعالیت یک «دولت جوان حزب‌اللهی» می‌تواند نشانگر این باشد که خامنه‌ای مانند سال‌های ۸۴ و ۸۸ قصد دارد با بهره‌گیری از سپاه و بسیج و یک طراحی چندلایه، قوه سه‌گانه یعنی مجریه و مقننه و قضائیه را یک دست کند.

اما در حال حاضر حکومت اسلامی ایران از نظر اقتصادی و سیاسی و اجتماعی در بحران شدید و فزاینده‌ای به سر می‌برد. جامعه در حال انفجار است. در چنین وضعیتی حکومت اسلامی برای بقا و تزریق منابع مالی به رگ‌های اقتصادی حکومت نیازمند مذاکره و سازش عاجل است اما وضعیت سیاسی و آرایش نیروهای این حاکمیت طوری است که هیچ‌کس حتی خامنه‌ای نیز جرات بحث و مذاکره علنی با امریکا را ندارد. اما بعید نیست که خامنه‌ای جام زهر را مانند خمینی سر بکشد و با یک «نرمش قهرمانانه» دیگر برای بقای خود زمان بخرد. برای مثال سابقه رفتار سپاه و

حامیان رهبر در سال‌های پس از برجام که شامل مواردی چون شلیک موشک همگام با اجرای برجام، حمله به سفارت عربستان، گروگان‌گیری شهروندان دوتابعیتی و خارجی، نقض مداوم و آشکار حقوق بشر، کشتار مخالفین در خیابان‌ها و اعدام آن‌ها و ... بوده، به‌خوبی نشان می‌دهد که آن‌ها تخصص بالایی در ایجاد فضای روانی منفی و تنش دارند. اکنون رونمایی از «تیربار موشکی» سپاه در روز اعلام نتایج انتخابات امریکا نیز یک نمونه از همین رفتارهاست که با پیام‌های مشخص داخلی و خارجی تولید می‌شوند. از این منظر، مهم‌ترین دغدغه خامنه‌ای و کلیه دم و دستگاه حاکمیتش در ماه‌های آینده، کنترل فضای ارباب و سرکوب در داخل کشور با هدف پیش‌گیری از تکرار خیزش‌های مدرمی سال‌ها ۹۶ و ۹۸ است، امری که حکومت اسلامی ایران در چهار دهه گذشته نشان داده در آن مهارت ویژه‌ای یافته است.

در نتیجه‌گیری می‌توان اضافه کرد که طبق قانون اساسی امریکا، پیروز انتخابات ریاست‌جمهوری، از ظهر روز ۲۰ ژانویه سال آینده، یعنی سال ۲۰۲۱، رسماً رئیس‌جمهور جدید کشور است. این رسمیت در مراسم تحلیف و سوگند یادکردن رئیس‌جمهوری منتخب که در مقابل کنگره امریکا و معمولاً در برابر هزاران علاقمند برگزار می‌شود. اعضای تیم انتقالی رئیس‌جمهوری منتخب در فاصله میان نوامبر و ژانویه به نهادهای دولتی مراجعه می‌کنند و با آن‌ها درباره چگونگی تحویل گرفتن مسؤلیت‌ها جلسه می‌گذارند.

این افراد زیر نظر رئیس دفتر آتی جو بایدن فعالیت می‌کنند و به نهادهای اطلاعاتی و نظامی هم اطلاعات و مقدمات لازم برای انتقال قدرت به فرمانده جدید کل قوا را آماده کنند. آن‌ها همچنین برای آماده کردن مراسم سوگند در روز ۲۰ ژانویه اقدام خواهند کرد.

جو بایدن در نخستین سخنان خود پس از پیروزی یکبار دیگر خواستار «درمان روح امریکا» شد و با اشاره آشکار به رفتار دونالد ترامپ که چند ساعت پیش از آن با ارسال یک توثیق خود را پیروز انتخابات خوانده بود، گفت «مردم امریکا حرف خود را زد» و با «۷۴ میلیون رای که در تاریخ این کشور بی‌سابقه است، این پیروزی را آفرید.» او این چنین به دونالد ترامپ یادآوری کرد که کار تمام شده است و تلاش‌های او برای ایجاد دشواری در راه انتقال آرام قدرت فاقد پایگاه اجتماعی و قانونی است.

او در سخنان خود به برنامه خویش به کوتاهی اشاره کرد و با برشمردن لزوم مقابله با ویروس کرونا، برقراری بیمه سلامتی، تامین امنیت، حفظ محیط زیست، محافظت از دموکراسی، فراهم آوردن فرصت‌های ترقی و شکوفایی برای همه و رونق اقتصادی یادآوری نمود که اهداف ملموس و گسترده‌ای پیش رو دارد. او گفت که دوشنبه آینده یک هیئت علمی و کارشناسی برای تدارک طرح مقابله با شیوع بیماری کوید ۱۹ منصوب خواهد کرد تا از ۲۱ ژانویه، نخستین روز کار خود، مبارزه در این زمینه را به اجرا گذارد. او بار دیگر از امریکائیان که بر اثر شیوع این ویروس جان خود را از دست داده‌اند یاد کرد و خواستار تسلی بازماندگان شد و وعده داد همه امکانات را برای مقابله با این بیماری به کار گیرد. او گفت «با یگانگی کاری نیست که از انجام آن برناییم»

جالب است که رئیس‌جمهوری‌های امریکا کد ویژه امنیتی برای خود انتخاب می‌کنند. جو بایدن به عنوان رئیس‌جمهور منتخب، بلافاصله تحت محافظت سرویس مخفی قرار گرفت و کد ویژه‌ای نیز انتخاب کرد. بایدن این کد را «سلتیک» انتخاب کرده است و گفته شده کاملاً هریس هم کد «پایونئیر» (پیشگام) را انتخاب کرده است. کاملاً هریس نفر دوم کاخ سفید از طرف مادر هندی‌تبار است. اما تبار هندی دونالد ترامپ کد «مغول» را برگزیده بود.

با توجه به همه آنچه که گفته شد هیچ‌گونه پویایی و نوآوری اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، نظامی و ایدئولوژیک جدید که نظم جهانی را دگرگون کند، در برنامه دو حزب اصلی امریکا دیده نمی‌شود. هر دو حزب جمهوری‌خواه و

دموکرات، هم از جهت نظری و هم از لحاظ عملی، بر نخستین سطح نظم جهانی تمرکز دارند که زمان فروپاشی شوروی پدر بوش و تئوریسین‌هایی چون فوکویاما و... مطرح کرده بودند. اما سیاست راهبردی تیم بایدن به دوران قبل از فروپاشی شوروی، یعنی تا حدودی به دوران جنگ سرد شباهت دارد که عبارت «دنیای آزاد» را ترجیح داده‌اند. در مورد سیاست خارجی دو حزب امریکائی از دیرباز درباره سیاست خارجی مواضع مشابهی داشته‌اند و این احتمالاً عرصه‌ای است که به نظر می‌رسد کمترین تفاوت بین ترمپ و بایدن در آن وجود داشته باشد. برای مثال، هر دو حزب دموکرات و جمهوری‌خواه در حمایت صریح و بی‌پرده از حاکمیت اسرائیل نقطه اشتراک دارند. یا کمابیش با ادامه حضور نیروهای نظامی‌شان در عراق و افغانستان هم‌نظر هستند. همچنین با سایه و روشن‌هایی در برخورد به حکومت اسلامی ایران نیز اشتراک نظر دارند. بنابراین کسانی که بر این تصورند با ورود بایدن به کاخ سفید مواضع ترمپ در رابطه با ایران به کلی کنار گذاشته شود تصوری خام و ساده‌لوحانه است.

مهم‌تر از همه تاریخ حاکمیت سیاسی امریکا، عملاً نشان داده است که دخالت سیاسی و نظامی آن در تحولات کشورهای دیگر جهان، بسیار مخرب و ویران‌گر بوده است. به‌همین دلیل برخی گرایش‌های سیاسی ناسیونالیستی و شوونیستی ایران، آرزوها و اهداف خود را در شبکه‌های اجتماعی و رسانه‌های فارسی‌زبان بین‌المللی به نام مردم ایران جا می‌زنند که گویا مردم ایران توانائی و شایستگی تغییر وضعیت موجود در ایران و سرنگونی حکومت اسلامی را ندارند بنابراین باید ناجی و یا ناجیان خارجی پیدا شود تا مردم ایران را از «شر» این حکومت جنایت‌کار اسلامی رها سازد. سردهسته این ناحیون جهانی هم حاکمیت امریکاست! اما بر خلاف این ادعای جریان‌های راست و خشونت‌طلب، اکثریت مردم ایران در مرزهای خود وضعیت فلاکت‌بار مردم عراق و افغانستان و کمی دورتر لیبی را می‌بینند که امریکا و متحدانش و ناتو این کشورها را به چه مصیبت فاجعه‌باری دچار کرده‌اند به طوری که برخی از مردم این کشورها، آرزوی برگشت حکومت‌های دیکتاتوری سرنگون شده را دارند. حاکمیت امریکا و سایر حکومت‌های جهان، هرگز دل‌شان برای مردم امریکا و جهان نسوخته، بلکه صرفاً به فکر منافع اقتصادی، سیاسی و نظامی حاکمیت‌شان هستند.

با این وجود رسانه‌ها بورژوائی ریاکارانه اعلام می‌کنند که دموکرات‌ها در مسیر عدالت اقتصادی برای طبقات محروم و کم‌درآمد، برابری نژادی و جنسی و جنسیتی، آموزش و بهداشت رایگان، مسکن ارزان، و بازسازی زیرساخت‌های اقتصادی حرکت می‌کنند. چنین چیزی واقعیت ندارد. اما احتمال دارد که دولت بایدن در اثر فشارهای پیگیر جنبش‌های اجتماعی مجبور شود برخی مطالبات مردمی را بپذیرد.

شکی نیست که جنبش‌های سیاسی - اجتماعی ایران آگاه‌تر از آن هستند که آلت دست دولت‌های سرمایه‌داری جهان شوند و اجازه دهند وضعیت اشغال نظامی عراق و افغانستان و لیبی در ایران نیز تکرار کنند. به خصوص اکثریت مردم آزاده و ستم‌دیده ایران که به ویژه در اعتراض‌های سال ۹۶ و ۹۸ خود به جهانیان نشان دادند از یکسو، لحظه‌ای غافل از سرنگونی کلیت حکومت اسلامی ایران و برپائی یک جامعه آزاد و برابری و مرفه و انسانی غافل نیستند و از سوی دیگر، به استقلال و سلامت مبارزانشان نیز اهمیت ویژه‌ای قائلند!

دوشنبه نوزدهم آبان [عقرب] ۱۳۹۹ - نهم نومبر ۲۰۲۰